



چالش‌های
معلمی
در دنیای صفر
و یک‌ها

پژوهش‌های دانش‌آموزی در عصر دیجیتال

حسین غفاری*

زمانه عوض شده است. نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند، نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است. حالا رسانه‌ها رقیب جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. پس چرا معلم‌ها باید به ابزارهای سنتی‌شان محدود بمانند؟ بچه‌ها از ما معلم‌ها انتظار دارند که همپایشان در «دنیای صفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. در نوبت‌های پیشین از چالش‌های «محرمانگی اطلاعات»، «دام شبه‌علم» و «دانشنامه‌های آزاد» گفتیم و پیشنهادهایی برای عبور از این چالش‌ها به معلمان ارائه دادیم. آیا برای چالش چهارم آماده‌اید؟





چالش چهارم: هدایت پژوهش‌های دانش‌آموزی در اینترنت با کپی‌کاری و تقلب دیجیتال چه کنیم؟

از سنت‌های معلمی باقی‌مانده از نسل‌های پیشین برای ما، یکی هم این است که برای تبدیل کردن دانش‌آموز منفعل به عنصری فعال در کلاس درس، او را به مطالعه و تحقیق و پژوهش‌های کوچک کلاسی تشویق می‌کنیم. حتی هنوز طایفه‌ای از ما معلم‌ها، بخشی از ارزشیابی مستمر کلاس را به خلاصه‌نویسی یک کتاب، نوشتن مقاله‌ای کوتاه یا انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای اختصاص می‌دهند. این فعالیت‌ها آن قدر سنتی هستند که حتماً خودتان هم در دوران مدرسه چنین کارهایی را به عنوان دانش‌آموز تجربه کرده‌اید و در طول سال‌های معلمی، با موضوع پژوهش‌های دانش‌آموزی در کلاس درس سروکار داشته‌اید.

با این حال، در یک دهه گذشته که به موازات توسعه عمومی دسترسی به فضای مجازی، محتوای دیجیتال به زبان فارسی هم در اینترنت فوران کرده، روز به روز کار معلم‌ها برای هدایت و ارزیابی پژوهش‌های دانش‌آموزی سخت‌تر شده است. هر چند که ظاهراً دسترسی راحت‌تر به محتوای علمی و آموزشی در فضای مجازی باید زمینه‌ساز گسترش آگاهی و دانایی دانش‌آموزان می‌شد، اما «اینترنت» به سرعت تبدیل به راهزن طریق بچه‌ها در مطالعه و پژوهش، و شریک جرم آنان در تقلب و رونویسی شده است!

حالا همه می‌دانیم که فاصله بچه‌ها با پاسخ هر سؤال و کشف هر ابهام و راه حل هر معمایی که معلمان برای تعمیق دانسته‌ها و تثبیت آموخته‌ها مطرح می‌کنند، به اندازه جست‌وجویی ساده در فضای مجازی است. تا جایی که این ضرب‌المثل تازه‌ساز، دهان‌به‌دهان میان دهه هشتادی‌ها می‌چرخد که «فکر نکن، سرچ کن!» در این شرایط جدید، چطور باید برای بچه‌ها تحقیق و پژوهشی تعریف کرد که به کپی‌کاری ختم نشود؟ و چطور باید پژوهش‌های دانش‌آموزی را هدایت و ارزیابی کرد؟

به عنوان معلم، باید بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که تعریف «دانایی» در عصر دیجیتال تغییر کرده است. امروزه «مالکیت اطلاعات» چندان ارزشی ندارد و توانایی

«دسترسی به اطلاعات» است که دانشمندان را قدرتمند می‌کند. پس بارگیری صدها کتاب الکترونیکی در رایانه شخصی، ذخیره‌سازی انبوهی از تصاویر و ویدیوها در گوشی‌های هوشمند و اتصال همیشگی به «گوگل»، نشانه دانایی نیست. بلکه توانایی یافتن پاسخ درست سؤالات از منابع قابل اعتماد و مقایسه انواع رویکردها در حل یک ابهام با استفاده از منابع برخط نشانه «دانایی دیجیتال» است. پس پژوهش‌های دانش‌آموزی نباید صرفاً روی جمع‌آوری اطلاعات یا کشف پاسخ یک معما تعریف شود، بلکه پژوهش‌های عصر دیجیتال باید رقابتی در اعتبارسنجی منابع و تحلیل یافته‌های متضاد و متناقض باشد.

در این مسیر البته معلمان باید مطمئن شوند که دانش‌آموزان حداقل قابل قبولی از محتوای پژوهشی را به‌طور شخصی مطالعه و حل‌لاji کرده‌اند. به این منظور می‌توان از بچه‌ها خواست که در چند مرحله خلاصه نتایج جست‌وجو و مطالعه خودشان را به صورت مکتوب و ترجیحاً دست‌نویس تحویل دهند. همچنین، می‌توان از جلسات ارائه شفاهی نتایج پژوهش برای ارزیابی روند مطالعات استفاده کرد. فعالیت‌های جذابی مثل ارائه نتایج در قالب ضبط ویدیو از خود، تولید محصولات رسانه‌ای ساده مثل یک پوستر رایانه‌ای یا ساختن پرده‌نگار (PowerPoint) در انتهای فرایند پژوهش، می‌تواند در تثبیت آموخته‌های پژوهشی بچه‌ها مؤثر باشد و آن‌ها را با کارکردهای مثبت ابزارهای دیجیتال آشنا کند. صد البته که این مرحله از پژوهش در برابر هر کپی‌کاری یا تقلبی ایمن است!

در انتها فراموش نکنیم که با وجود همه تغییرات نسلی، برای دهه هشتادی‌ها هم، «دیدن شدن» در مدرسه و کلاس درس بهترین جایزه و تشویق است. پس در ارزیابی کار بچه‌ها، علاوه بر سنجش صحت یافته‌های پژوهشی و محک زدن فرایند تحقیقاتی، می‌توان تولیدات رسانه‌ای دانش‌آموزان را به نمایش گذاشت و رقابتی سالم مبتنی بر تلاش علمی و خلاقیت هنری - رسانه‌ای به راه انداخت.

